

سخنی با منتظران ظهور  
امداد غیبی و ویژگی‌های جامعه موعود  
تذکر لازم  
قوانین حاکم، قوانین و احکام اسلام است  
حاکم خلیفه الله و امام زمان است  
امتیازات و تبعیضات نژادی و طبقه‌ای وجود ندارد  
حذف تجمل‌گرایی  
تذکر و رفع اشتباه  
امنیت و صلح عمومی  
شکوفائی وضع اقتصادی  
همه خدا را می‌پرستند  
قسط و عدل جهانی  
به امید آن‌روز و آن عصر و آن دولت کریمه

بسم الله الرحمن الرحيم

بسوی

دولت کریمه

## سخنی با منتظران ظهور

برادر و خواهر عزیز که روز و شب در انتظار ظهور آقا و مولایت و مولای همه، حضرت صاحب الامر مهدی علیه السلام هستی، بیاد آن زمان و آن عصر الهی اشک شوق می ریزی و آرزو می کنی در التزام رکاب آن حضرت به درجه رفیعه شهادت برسی، در روزهای عید فطر و قربان و غدیر و هر روز جمعه دعای ندبه<sup>۱</sup> را عاشقانه با آن شور و سوز و گریه و ندبه می خوانی و با هر وسیله ممکن می خواهی ارتباط خود را با آن حجّت خدا، زنده و زنده تر سازی.

درو بر تو و آفرین بر احساسات پاک و تابناک

"تَبْتَكَ اللهُ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ النُّورِيَةِ الرَّوْحَانِيَةِ لَقَدْ فَزْتَ فَوْزاً عَظِيماً"

عزیزان منتظر: شما که بحق، رضای امام زمان ارواحنا فداه را فوز اکبر می دانید ویژگی هایی که در این نوشتار می خوانید برخی از خصوصیات نظام و جامعه ای است که شما منتظر آن هستید؛ هر کس در خط ولایت و انتظار قدم بر می دارد باید آن ویژگی ها را بشناسد و خودش را با توجه به آنها بطوری که لایق عضویت در آن جامعه جهانی و الهی شود، بسازد؛ باید همه این ویژگی ها را دوست داشته و برای تحقق آنها در جامعه و کشور و شهرش تلاش نماید؛ کسانی که به ارزش های ضد آن جامعه جهانی گرایش دارند باید در وضع خود تجدید نظر کنند و با گرایش به ارزش های اسلامی صداقت خود را در دعوی انتظار نشان بدهند و با اجرای احکام الله و اقامه عدل و قسط و احقاق حقوق و ساده زیستن و حفظ شخصیت اسلامی خود رضای آن آقای عزیز و موعود انبیاء را فراهم نمایند.

"اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعزبها الاسلام وأهله".<sup>۲</sup>

"خداوند ما دولت با کرامتی را از لطف تو مشتاق هستیم که با آن اسلام و

اهلش را عزیز گردانی."

۱. دعای ندبه که مشتمل است بر عقاید شیعه و تأسف بر غیبت حضرت قائم علیه السلام ... منقول است که سنت است که این دعای ندبه را در چهار عید

بخوانند (یعنی در روز جمعه و روز عید فطر و روز عید قربان و روز عید غدیر). زاد المعاد علامه مجلسی رحمه الله ط اسلامی، ص ۴۹۱.

۲. مفاتیح الجنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی، ط شرکت سهامی طبع کتاب تهران، ص ۳۵، دعای افتتاح.

یکی از برنامه‌های مهم رسالات انبیاء خصوصاً رسالت رسول خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌سوق دادن جامعه اسلامی بسوی امت واحده و دولت عدل جهانی است که این برنامه در متن دعوت اسلام قرار گرفته و بطور حتم و یقین با ظهور حضرت مهدی صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه‌این‌جامعه و حکومت برقرار می‌شود و دنیا تحت یک نظام و قانون واحد و امت واحده اداره خواهد شد؛ این وعده الهی است که قرآن کریم و احادیث بسیار و متواتر بر آن دلالت و صراحت دارند.

از جمله در سوره توبه آیه (۳۳) و در سوره صف آیه (۹) می‌فرماید:

"هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهرة علی الدین کله"

"او (خدا) کسی است که پیامبر خود را به هدایت و دین حق فرستاد تا

اینکه دین حق را بر هر دین دیگر غالب نماید."

که اهل ادب می‌دانند اگر لام در «لیظهره» لام غایت و نهایت باشد، مفاد آیه این است که این دین حق پیش می‌رود تا خدا آن را به نهایت کمال برساند و بر همه ادیان غالب گرداند و اگر لام برای تعلیل باشد باز هم علت غائی فرستادن پیامبر را که غلبه یافتن دین او بر همه ادیان است بیان می‌نماید.

و نیز در همین دو سوره وعده می‌دهد که تلاش‌های کفار که می‌خواهند با دهان‌های خود نور خدا را خاموش کنند، نقش بر آب و بی نتیجه خواهد شد و خدا نورش را تمام و کامل می‌گرداند.

در سوره انبیاء، نور، قصص، الصافات و در سوره‌های دیگر قرآن، آیات متضمن وعده و بشارت به این ظهور و این حکومت الهی بسیار است.

و در احادیث معتبر که در جوامع حدیث و صحاح و مسانید شیعه و سنی روایت شده، نیز این وعده بصراحت داده شده است.

در تأکید بر حتمیت این ظهور و اینکه وقوع آن هر چند به تأخیر افتد، تخلف ناپذیر است، یکی از روایات معروف که اشعار به امتداد بسیار طولانی زمان قبل از ظهور دارد به این مضمون است:

"اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خدا آن قدر آن را طولانی و دراز می‌نماید تا امام موعود ظهور نماید و عالم را پر از قسط و عدل نماید چنانکه پر از ظلم و جور شده است"<sup>۱</sup>

بدیهی است شخص مؤمن به خدا و رسول، نه وقوع این ظهور را استبعاد می‌نماید، چون خداوند متعال بر هر امری قادر و تواناست، خدائی که این عوالم بزرگ و کوچک و این میلیاردها و میلیاردها کهکشان‌ها و منظومه‌ها را آفریده و عجایب و نیروهائی که در ذرات این عالم و اتم‌ها خلق کرده است، عقل بشر را به حیرت انداخته و کوچک‌ترین مخلوق او اندیشه‌های همه کاوشگران را به خود مشغول ساخته است، قادر است مقدمات و تمام اسباب این ظهور را فراهم نماید؛ و نه در صدق پیامبری که وعده‌های بسیارش از غیب و آینده جهان و اشخاص بوقوع پیوسته، شک و تردید می‌نماید.

واضح است زمینه تصدیق پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌بعد از وقوع این همه خبرهای غیبی قرآن کریم و خود آن حضرت و امیر المؤمنین علی علیه السلام برای کسانی که در بسیاری از این سوره‌ها صدق آن حضرت را تجربه کرده و درک نموده‌اند به مراتب زیادتر و وسیع‌تر از آغاز ظهور اسلام و اعلام این وعده‌هاست؛ مع‌ذلک، مسلمانان مؤمن و روشندل که به آن حضرت ایمان آورده بودند به همه وعده‌های آن حضرت ایمان محکم داشتند.

توضیحاً اضافه می‌شود: پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از آغاز بعثت و هنگامی که خودش بود و غیر از فرزند عزیز و نورسته عمویش ابوطالب و همسر بیدار دل و آگاهش خدیجه علیهم السلام که علناً ایمان و همبستگی خود را به او اعلام می‌کردند و غیر از ابوطالب که یگانه حامی و پشتیبان و مدافع او بود و ایمان خود را مانند مؤمن آل فرعون کتمان می‌کرد و به عبارت صحیح‌تر کمتر به زبان می‌آورد، طرفدار و همراه و یار و یآوری نداشت و همه‌سران کفار و بت‌پرستان و گردنکشان قریش و همه دنیا در برابر او بودند و دعوت او را به مسخره و استهزاء می‌گرفتند و نفوذ او را در یک روستا و یک قبیله باور نمی‌کردند، مردم را به پرستش خدای یگانه دعوت می‌کرد که بگوئید (لا اله الا الله) تا مستکبران و ابر قدرتهای جهان را از مرکب استکبار و قدرت پیاده کرده، خلع سلاح نمایید و گنج‌ها و خزائن آنها را انفاق نمائید و ... برای بسیاری و همه غیر از آن چهار نفر (شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ابوطالب و علی و خدیجه علیهم السلام، این

۱. مراجعه شود به مجموعه احادیث در این مورد به کتاب «معجم احادیث الامام المهدی» علیه السلام، ج ۱، احادیث النبی صلی‌الله.

وعده‌ها از سوی کسی که در شهر و محله خودش در معرض اذیت و آزار است و قوم و قبیله‌اش با او به شدت به ضدیت برخاسته و هیچ لشگر و سپاه و تجهیزات و امکانات مادی در اختیار ندارد، باور کردنی و به اصطلاح امروز واقع بینانه و دور اندیشانه نبود ولی همان مردم دیدند که زمان به سرعت گذشت و در مدت کوتاه بیست و سه سال عصر رسالت، اسلام مشکلات بسیار بزرگی را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت همه اقوام و قبایل را بدین خدا خواند و همه فوج فوج به اسلام گرویدند و عادات ناپسندی که شمشیر و زور هیچ امپراطوری نمی‌توانست تغییر دهد متروک و فراموش شد.

زن‌ها که در آن جامعه ضد انسانی زنده بگور می‌شدند آزاد شدند، ریا و قمار و میگساری و فحشاء و آدم کشی و راهزنی همه منسوخ گردید و جای خود را به اخلاق و روش‌های انسانی داد و از همه مهم‌تر و بالاتر کیش بت پرستی که با خون و جان مردم در آمیخته بود محو نابود و همه بت‌ها شکسته و معدوم گردید و دین توحید، آن دل‌های سخت و تیره را نرم و روشن نمود و صدای دلنواز (أشهد أن لا اله الا الله) پرده‌های شرک را پاره کرد؛ علاوه بر مکه و مدینه تمام شبه جزیره در قلمرو نظام الهی اسلام قرار گرفت و دعوت آن حضرت دل‌ها را مسخر نمود و به آینده امیدوار ساخت پس از آن هم قلمرو نفوذ اسلام آن گونه گسترش یافت و اسلام دل‌های مثل مردم هوشمند ایران را که از مظالم نظام استبدادی شاهنشاهی و تبعیضات طبقاتی به ستوه آمده بود فتح نمود که یک قرن نگذشته اسلام از شرق تا دیوار چین و از سوی غرب به دریای اتلانتیک رسید؛ با این رویدادها، همه صدق دعوت پیغمبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلته‌وسلم و قوت دعوت و نفوذ رسالت او را که از پشت پرده‌های ضخیم عادات و تعصبات و اخلاق زشت به درون قلوب وارد می‌شد و مردم را منقلب و شیفته و دل‌باخته اسلام می‌ساخت، همواره ظاهر می‌شد و مسلمانان با اطمینان باینکه آتیه روشن و تابناکی در پیش دارند به جلو می‌رفتند و از مهالک و انبوه لشگریان تا دندان مسلح ایران و روم و آن همه تشریفات رعب آمیز نمی‌هراسیدند.

این وقایع که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلته‌وسلم از آن خبر داده بود صدق دعوت آن حضرت را بر همگان آشکار و آشکارتر ساخت و باورها را به نبوت و رسالت محکمتر نمود و همه را در انتظار وقوع این وعده قرآنی که اسلام بر همه ادیان غالب و حکومت عدل الهی جهانی برقرار

خواهد شد قرار داد، حصول آن همه وعده‌ها و وقوع آن همه خبرهای غیبی را همه دیدند  
حصول این وعده را نیز همگان خواهند دید.

انشاء الله

## امداد غیبی و ویژگی‌های جامعه موعود

بر حسب آنچه از آیات و احادیث استفاده می‌شود این ظهور پس از امتحانات شدید و فتن بسیار به مداد الهی همراه با معجزات و خوارق عادات و آیات بزرگ، تحقق می‌یابد و ویژگی‌هایی که دارد اگرچه تمام در ضمن تعالیم اسلام بیان شده است و برخی از آن ویژگی‌ها را در عصر رسالت و عصر زمامداری امیرالمؤمنین علی علیه السلام مشاهده می‌کنیم ولی فعلیت تمام آنها در جامعه موعود تحقق خواهد یافت.

شناخت این ویژگی‌ها از نظر عقیده و ایمان و معرفت امام علیه السلام دارای اصالت و اهمیت است، تا آن که در خبر مشهور بین مسلمین از پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله روایت می‌شود:

"هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد مرده است بمردن

جاهلیت".<sup>۱</sup>

و فخر رازی روایت می‌کند از آن حضرت:

"هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، فلیمت ان شاء یهودیاً وان شاء

نصرانیاً" (بمیرد اگر می‌خواهد یهودی و اگر می‌خواهد نصرانی).<sup>۲</sup>

و از نظر اسلام شناسی و شناخت نوع حکومت و چگونگی و اهداف حکومت در اسلام و ولایت حاکم و مسائل مهم دیگر نیز ارزنده و مفید است.

و از این نظر که آن جامعه و آن نظام، جامعه و نظام کامل اسلامی و تمام شرعی است، نظامی الگو اسوه و معیار و میزان است و جوامع کوچک یا بزرگ هر چه به آن همانندتر و شباهت بیشتر داشته باشند مشروعیت بیشتر دارند، شناخت این جامعه برای تعیین جهت و سمتی که جوامع باید به سوی آن داشته باشند مفید و سودمند است.

۱. غیبت نعمانی، ط مکتبة الصدوق، ص ۱۲۹، حدیث ۶.

۲. قال رسول الله (ص).

"من مات ولم يعرف امام زمانه فلیمت ان شاء یهودیاً وان شاء نصرانیاً".

"هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد پس باید بمیرد اگر می‌خواهد یهودی و اگر می‌خواهد نصرانی".

رساله المسائل الخمسون فخر رازی، ص ۲۸۴، مسئله ۴۸ (این رساله در ضمن کتابی بنام «مجموعه الرسائل» در مصر به سال ۱۳۲۸ هـ - ق چاپ شده است).



و بالاخره از این لحاظ که مؤمنان به آن ظهور و وعده الهی مشتاقانه در انتظار آن هستند و برای وقوع آن تحول بزرگ جهانی و الهی چشم به آینده دوخته و در هیچ شرایطی از بهبود اوضاع ناامید نمی‌شوند و در میان طوفان‌های شدائد و سختی‌های قوی‌القلب، با ایمان، استوار و محکم، به آینده امیدوار و با قاطعیت به سوی جلو قدم برمی‌دارند و بر کوشش و تلاش و اقدام خود می‌افزایند، شایان اهمیت است.

از همه این جهات و ابعاد دیگر شناخت این جامعه به استقامت فکر و اخلاق و اعمال انسان کمک می‌نماید، اما در این گفتار به این فائده و وظیفه بزرگ نظر و اشارت داریم که چنین جامعه‌ی یگانه‌ای را که انبیاء گذشته بشارت آن را داده‌اند و آیات قرآن مجید و روایات متواتر به تحقق آن با صراحت تأکید دارند و آنرا اوج کمال اجتماع بشری و نظام عدل کامل الهی معرفی کرده‌اند، باید هر کس به آن معتقد است، به سوی آن گام بردارد و ویژگی‌های آن را در خود و جامعه متجلی سازد.

باید فاصله را با آن کم کرد و با تلاش و مجاهده به آن نزدیک و نزدیک‌تر شد. باید از اینکه فاصله ما و جامعه مان با آن جامعه و رهبر عزیز آن زیاد شود و از او دور باشیم به شدت پرهیز کنیم.

باید اخلاق و اعمالی را که با عضویت در چنان جامعه‌ای سازگار نیست و صاحب آنها از آن جامعه مطرود است ترک کنیم و برای قبول شدن در چوگان جامعه‌ای خود را بسازیم و تلاش نمائیم و این است معنای صحیح انتظار.

اصلاً یکی از فوائد بزرگ معرفت پیغمبر و امام و یکی از حکمت‌های گزینش پیغمبر و امام از خود بشر همین است که آنها اسوه باشند و رفتار و روش و سیره آنها - علاوه بر گفتار و تعلیمات قولی آنان هم راهنمای زندگی باشد که در قرآن مجید می‌فرماید:

"لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة<sup>۱</sup>."

"البته شما را در اقتدا کردن به رسول خدا خیر و سعادت بسیار است."

و هم می‌فرماید:

"ولو جعلناه ملکا لجعلناه رجلا وللبسنا علیهم ما یلبسون<sup>۱</sup>."

"چنانچه فرشته‌ی نیز به رسالت بفرستیم هم او را به صورت بشری در  
آوردیم و بر آنان همان لباس که مردمان بیوشند می پوشانیم".

بلکه در معرفت خداوند متعال که بالذات کمال انسان است و نهایت همه کمالات است و بالاتر  
از آن کمالی نیست، همین کیفیت برای شخص خدا شناس ارزنده است که با معرفت باسماء  
الحسنی و صفات علیای الهی چنانکه فرموده اند: «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ» تخلق به این اسماء و  
صفات را وجهه همّت قرار می دهد؛ مثلاً چنانکه خداوند ستار العیوب و غفار الذنوب و حلیم و  
علیم و بخشنده و مهربان و شکور و محسن و ... است بنده خدا شناس و کمال دوست او نیز  
خود را به این صفات متحلّی می سازد.

معرفت امام وقت و صاحب عصر و ولی امر و آن موعود عظیم الشان انبیاء نیز باید همین اثر  
را داشته باشد و کیمیائی باشد که مس وجود دوست و منتظران او را به طلای اصل و خالص  
مبدل نماید.

باید در شخص عارف به آن حضرت و سیره و اعمال و برنامه‌های آن بزرگوار، عملاً علاقه  
به آن اخلاق و آن روش ظاهر باشد که از صمیم جان مشتاق حضور و عضویت در آن جامعه  
موعود باشد.

بنابراین معرفت امام عصر حضرت مهدی موعود ارواح العالمین له الفداء و شناخت ویژگی‌های ظهور  
و حکومت و چگونگی اداره و نظامی که در عالم برقرار می کند و جامعه ایر را که بوجود می  
آورد برای ما که در عصر غیبت و عصر امتحان زندگی می کنیم، بسیار سودمند و لازم است.  
هم راهنما و خط دهنده است و هم عامل مهمی در بازداري از خطا و گناه و اخلاق ناپسند و  
هم مشوق میل و اقبال به کارهای نیک و عدالت و التزام و احترام به نظامات شرعیه است.

تذکر لازم

پیش از اینکه به بیان ویژگی‌های جامعه موعود بپردازیم، این تذکر لازم است که ویژگی‌های  
جامعه جهانی اسلامی، ویژگی‌های نظام و جامعه اسلامی است که باید در جهان برقرار شود و

هدف‌های بعثت حضرت خاتم الانبیا صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌است؛ آن جامعه جهانی ادامه تحقق اهداف انقلاب عظیم اسلام است.

آنچه از این ویژگی‌ها تاکنون تحقق نیافته یا بطور کامل حاصل نشده است بواسطه فقدان شرایط خارجی یا موانع است؛ رسیدن جامعه به آن جامعه جهانی، سیر اسلام و دعوت حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌است که چنانکه اشاره شد این رسالت و دعوت به آن نقطه کمال و فعلیت اهدافی که داشته و دارد خواهد رسید.

(وما ذلک علی الله بعزیز)

## قوانین حاکم، قوانین و احکام اسلام است

قوانین حاکم بر این نظام و اجتماع، قوانین اسلام است که بوسیله وحی اعلام شده و احدی نمی تواند چیزی بر آن بیفزاید یا چیزی را از آن کم کند که.

"حلال محمد صلی الله علیه و آله حلال الی یوم القیامه و حرام محمد صلی الله علیه و آله حرم الی یوم القیامه".

باید همگان خصوصاً هیئت حاکمه در این خط مستقیم با احساس مسئولیت و تعهد قدم بردارند و هوی و سلیقه های شخصی یا گروهی خود را کنار بگذارند و به راست و چپ منحرف نشوند چنانکه در حدیث است از شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله که می فرماید:

"لا یكون العبد مؤمناً حتى یکون هواه تبعاً لما جئت ولا یزیغ عنه به".

"بنده ای مؤمن بخواهد بود تا هوای و خواست او تابع آنچه من آورده ام، باشد و از آن مایل نشود".

جلوه های بسیاری از این احساس مسئولیت و خوف از خدا را در ارتباط با زمامداری و اداره اجتماع و حقوق مردم مخصوصاً محرومان و مستضعفان و طبقات به ظاهر پائین اجتماع در زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علی علیه السلام، دنیا مشاهده کرد که با اینکه در اداء تکالیف و وظایف خود ذره ای کوتاهی ننموده اند، از این مسئولیت زمامداری به شدت نگران بوده و می گریستند و نشان دادند که در نظام اسلام اگر زمامداری تکلیف و وظیفه نبود هیچ انگیزه ای صاحبان شرعی این مقام را به قبول آن بر نمی انگیخت. در اینجا در رابطه با زمامداری و مدیریت ها در سطوح مختلف درس های بسیار آموزنده در سیره پیغمبر و امیر المؤمنین علی علیهما الصلاة والسلام داریم که متأسفانه بخاطر طولانی شدن کلام از بیان آنها معذوریم.

## حاکم خلیفه الله و امام زمان است

حاکم و رهبر و پیشوای کل نظام موعود جهانی مانند نظام مدینه در عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و نظام کوفه در عصر امیرالمؤمنین علی علیه السلام نائت خدا و خلیفه الله است که عادل و معصوم از گناه و خطا و عمل به هوای نفسانی است؛ در پرهیزکاری و رعایت حق و عدالت، در تصمیمات و عزل و نصب و تصرف در بیت المال الگو و نمونه و آئینه تمام نمای قوانین عدل و قسط اسلام است، صفتی که بر حسب دلایل محکم عقلی و نقلی که از جمله علامه حلی<sup>۱</sup> قدس سره در الفین، یک هزار دلیل بر آن اقامه فرموده است؛ باید انمام و خلیفه خدا و رهبر جامعه به آن متّصف و متحلّی باشد و در این امت برای احدی غیر از فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه اثنی عشر علیهم السلام که امامت و خلافت آنها بر حسب صدها حدیث معتبر منصوص است، قابل اثبات نیست. و از جمله آیاتی که به آنها بر لزوم صلاحیت علمی، عملی و اخلاقی رهبر آن نظام منصوص که یگانه نظام مشروع است استناد شده است، این آیات است:

۱ - "افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع امن لا یهدی الا ان یهدی"<sup>۲</sup>.

آیا کسی که راه می‌نماید (مردم را) بسوی حق، سزاوارتر است که از او پیروی کنند یا کسی که خود راه نمی‌یابد مگر آن‌که راهنمایش کنند.

۲ - "هل یستوی الذین یعلمون ولاذین لا یعلمون"<sup>۳</sup>.

"آیا یکسانند آنان که می‌دانند و آنان که نمی‌دانند."

"واذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن قال انی جاعلک للناس اماما قال ومن

ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین"<sup>۴</sup>.

"(بیاد آور) زمانیکه آزمود ابراهیم را پروردگارش به اموری چند پس او به انجام رسانید آنها را، خدا گفت البته من قرار دادم ترا برای مردم پیشوا (در

۱. شرح حال علامه حلی در تمام کتاب‌های رجال و تراجم و معاجم مضبوط است.

۲. سوره یونس آیه ۳۵

۳. سوره زمر آیه ۹.

۴. سوره بقره آیه ۱۲۴

دین) ابراهیم گفت و از فرزندان من نیز (چنین فرما) خدا گفت نرسد عهد  
من (که امامت است) به ستمکاران".

بدیهی است مقام امامت که اعظم مناصب و خلافت الله است به کسی اعطاء می شود که از همه  
صالح تر و عالم تر و پاک تر باشد و سوابق سوء و انحراف از حق در پرونده زندگیش ثبت نشده  
باشد.

در این نظام، در گزینش برای مقامات پائین نیز همین اصل صلاحیت علمی و عملی و قدرت  
بر اداره و حسن تدبیر معیار است و با وجود اصلح و البیق و اعلم، به صالح و لایق و عالم مقامی  
اعطاء نمی شود.

از خیانت‌های بزرگ در دایره این نظام این است که مقام و منصبی به کسی اعطاء شود در  
حالی که شخص دیگری برای تصدی آن مقام صالحتر از او باشد چنانکه قبول هر مقام و منصب  
با علم به صلاحیت و کفایت بیشتر دیگری نیز جایز نیست و در نظام اسلام هیچکس خود را به  
جای صالحتر از خود معرفی نمی کند و نامزد مقامی که صالحتر از او برای آن نامزد شده است  
نمی نماید؛ اگر هم به او پیشنهاد کنند، مردم را به اصلح از خود راهنمایی می نماید.

این روشی است که در جوامع کنونی غیر مسلمان دنیا اصلاً دیده نمی شود و در جوامع اسلامی  
هم بندرت مشاهده می شود و در پایان این بند مناسب است به سخن جامع و کامل خلیل بن  
احمد<sup>۱</sup> اشاره کنیم که از او پرسیدند: دلیل بر امامت علی علیه السلام بر کل امت چیست؟  
آن مرد بزرگ اینگونه پاسخ داد:

"احتیاج الكل اليه وغناؤه عن الكل دليل على انه امام الكل".

محتاج بودن همه به وی (حضرت علی علیه السلام) و بی نیازی او از همه  
کس، دلیل آن است که او امام و پیشوای همه است.

---

۱. در مورد خلیل بن احمد مراجعه شود به لغت نامه دهخدا و تأسیس الشیعه ص ۱۵۰ تا ۱۵۴ و ص ۱۷۸ و ۱۷۹ و نور القبس ص ۵۶ و ۵۷ که در آن کتاب،  
مؤلف در ضمن ترجمه او، کلام ممتاز دیگری از خلیل بن احمد در بیان برتری امیرالمؤمنین علی (ع) بر سایر اصحاب و تشاکل با یکدیگر و تفرّد امام (ع) به  
خصائص عالی نقل نموده است.

## امتیازات و تبعیضات نژادی و طبقه‌ای وجود ندارد

امتیازات نژادی و طبقه‌ای و صنفی و القاب و عناوین ظاهری در جامعه اسلامی که جامعه موعود جهانی و همگانی خواهد بود ملغی و بی اعتبار است؛ در برابر قانون همه با هم برابرند؛ عالم با جاهل، عادل با فاسق، و الی و رئیس، و صاحب هر مقام سیاسی با هر شخص عادی و متعارف مساوی هستند؛ مثلاً حکم قتل عمد، قصاص و شبه عمد و خطا دیه است؛ قاتل هر کس که باشد و مقتول هم هر کس باشد و همچنین حکم خدا در مورد سارق با شرایطی که در فقه بیان شده، قطع دست است و حکم زانی رجم یا جلد است؛ سارق و زانی، هر کس و فرزند هر کس و صاحب هر سابقه و وابسته به هر کس و هر فامیل باشد حکم هرگز، تفاوت نخواهد کرد. این ویژگی آن جامعه بزرگ اسلامی را در سیره شخص پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام در جامعه اسلامی مدینه و کوفه ملاحظه کنید در این دو جامعه احکام اسلام نسبت به همگان علی السواء اجرا می‌شد. همانطور که در نماز جماعت فقیر در کنار غنی، سیاه در کنار سفید و بنده در کنار مولی یا در صف مقدم قرار می‌گرفت در اجراء احکام سیاسی و انتظامی نیز به همه علی السواء نگاه می‌شد و حتی به مجالست و معاشرت با فقراء بیشتر رغبت نشان می‌دادند و آن را عامل تربیت و توانمندی روح و موجب تقرب بخدا می‌دانستند و به عکس مجالست با اغنیاء و توانگران و مرفهان را که نسبت به اسلام و مسلمین و اوضاع اجتماعی بی تفاوت بودند موجب دل مردگی و سقوط انسان می‌شمردند.

بر حسب قرآن مجید و تفاسیر، ملاء و سران قریش از حضرت تقاضا کردند که از فقراء و طبقات پائین اجتماع فاصله بگیرد زیرا حضور آنها را با خودشان خلاف شأن و اعتبار پوچ خود می‌دانستند؛ حضرت پذیرفت پس پیشنهاد دادند که مجلس آنها با مجلس این به اصطلاح اشراف از هم جدا باشد؛ این آیه نازل شد:

"واصبر نفسك مع الذين يدعون ربهم بالغداة والعشي يريدون وجهه ولا تعد عيناك عنهم تريد زينة الحياة الدنيا ولا تطع من اغفلنا قلبه عن ذكرنا واتبع هواه وكان امره فرطاً"<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup>سوره کهف آیه ۲۸.

"خودت را با آنها که خدا را بامداد و شامگاه می خوانند و وجه او (قرب رضای او) را می خواهند شکبیا بدار و چشم هایت را از آنها برنگردان در حالیکه خواستار زینت زندگی دنیا باشی؛ و اطاعت نکن کسی که دلش را از یادمان غافل کرده ایم (و از لذت یاد خودمان محروم ساخته ایم) و پیروی هوای خود کرده و کارش از حد گذشته و در افراط افتاده است".

معروف و مشهور و در احادیث به این مضمون رسیده است که:

روزی یک نفر از اغنیاء نشست به بود، یکی از فقراء وارد شد و در کنار او نشست، مرد ثروتمند خود را جمع کرد - مثل بعضی از اهل رفاه و ثروتمندان زمان ما که از تماس با فقراء و زیردستان و همنشینی و همگامی با آنها پرهیز می نمایند و آن را کسر شأن خود می دانند - پیغمبر صلی الله علیه و آله از اینکار او ناخرسند شده فرمودند:

*"ترسیدی از فقر او چیزی بتو برسد یا از مال و ثروت تو*

*به او چیزی برسد".*

مرد از آن موعظه بیدار و هشیار شد؛ عرض کرد: به کفاره این عمل نصف یا تمام مالم را به او بخشیدم.

مرد فقیر نپذیرفت گفت: می ترسم بمن آن وارد شود که بر تو وارد شده بود.

یکی از خصائص و فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام این است که خداوند به او دوستی محرومان و فقراء را عطا کرده بود و آنها هم آن حضرت را دوست می داشتند. یکی از نمایش های این تساوی، تواضع آن بزرگواران و مظاهر حضور آنها در اجتماع است که هیچگونه تشریفات نداشتند؛ مانند فردی عادی بودند. در این ویژگی توجه همه خصوصاً ارباب مناصب و مقامات را به اختصار به جلوه هائی چند از دوری از تشریفات و پرهیز از مظاهر و فاصله از مردم جلب می نمایم.

در سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله از همه آن حکایت ها ساده زیستن و زهد و بی امتیازی به بیان شیوای امیرالمؤمنین علی علیه السلام در توصیف آن اکتفا می کنیم. بخوانید و زندگی ارباب جاه و مناصب دنیا و کاخ سفید و کرمین و بوگینکهام والیزه و همه و همه جا و اختصاصات و



تشریفات این کاخ نشین‌ها و هواپیماهای اختصاصی و خودروهای آن چنانی و هزار و یک امتیاز دیگر را در نظر بگیرید و تعجب کنید.

آری، اینها مردان دنیا و انسان‌های بی محتوایی هستند که اگر آن تشریفات را نداشته باشند و این جاه و جلال‌های ظاهری را به رخ مردم نکشند هیچکس برای آنها حساسی باز نمی‌کند. اما مردان خدا و رجال الهی به این ظواهر نیاز ندارند؛ عظمت روح آنها مردم را مسخر آنها و تحت نفوذ آنها قرار می‌دهد.

کلام گهربار امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصف رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار آموزنده است؛ از خوانندگان خواهشمند است مکرر آنرا بخوانند و در آن تأمل نمایند. هرگز ارباب قدرت ظاهری و وابستگان به تشریفات، نمی‌توانند باور کنند که مردی با این ظهور و حضور در صحنه اجتماع بتواند آن انقلاب بی مانند فکری و سیاسی و اجتماعی را به این استحکام پایه ریزی نماید؛ که امروز پس از هزار و چهار صد سال، راه او همچنان در دنیا زنده و استحکام و استواریش هر روز بیش از پیش ظاهرتر می‌شود. این اوصافی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام بیان می‌نماید اوصاف آورنده قرآن، آن فریادگر توحید و آن منادی حق و عدل و حریت یعنی عقل کل و خاتم رسل و شمع سبیل حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است.

محمد کازل تا ابد هر چه هست\*\*\* به آرایش نام او نقش بست

چراغی که انوار بینش از اوست\*\*\* فروغ همه آفرینش از اوست

همان فردی که فلاسفه و انسان شناسان جهان همه در برابر عظمتش سر تعظیم فرود آورده‌اند و با شبلی شمیل همزبان می‌گویند:

من دونه الأبطال فی کل الوری\*\*\* من حاضر او غائت او آت

همان بنیانگذار جامعه اسلامی و مبشر بزرگ ظهور حضرت مهدی علیه السلام آری همان کس را در مظهر و مادی و زندگی، علی علیه السلام که از پیش از بعثت و در حال بعثت و بعد از بعثت با او بود و محرم اسرار و آگاه از پنهان و آشکار او بود چنین توصیف می‌نماید:

"فتأس بنیک الأطیب الأطهر صلی الله علیه و آله ... ولقد کان صلی الله علیه و آله  
یاکل علی الأرض ویجلس جلسة العبد ویخسف بیده نعله ویرقع بیده ثوبه ویرکب  
الحمار العاری ویردف خلف ... الی آخر الخطبة"<sup>۱</sup>.

"تأسی کن به بیغمبر خوشبوتر و پاکترت صلی الله علیه و آله ... بر روی  
زمین غذا می خورد و مانند برده می نشست و پارگی کفش خود را بدست  
خود می دوخت و بدست خود جامه اش را وصله میزد و بر مرکب بی  
پالان سوار می شد و کسی را هم ردیف خود می ساخت ... تا آخر خطبه".

در سیره امیر المؤمنین علی علیه السلام هم، جلوه های بسیاری است که همه آموزنده است و  
نشان می دهد چگونه مراقبت داشت که از مقام خود استفاده شخصی - هر چند خود اراده نکرده  
باشد - نبرد که این مقام و این منصب الهی باید در راه اطاعت خدا و خدمت بخلق قرار بگیرد.  
در یکی از خطبه های نهج البلاغه است که پس از آن سخنان مشحون از علم و حکمت و  
معرفت، شخصی که تحت تأثیر آن علم بیکران و معارف بی پایان علوی قرار گرفت زبان به  
مدح و ثنای آن حضرت گشود و متواضعانه و با تعظیم، آن حضرت را مخاطب قرار داد.  
حضرت در بیانات مفصلی که فرازاها و جمله های آن انسان را تکان می دهد به او تذکر داد که با  
من با این الفاظ سخن نگوئید و این چنین مرا مخاطب نسازید که من و شما همه بندگان  
پروردگار و خدائی هستیم که غیر از او خدائی نیست و ...<sup>۲</sup>  
داستان آن مردمانی که به استقبال او آمده و برنامه ای را به احترام آن حضرت انجام دادند،  
معروف و در نهج البلاغه مذکور است حضرت از آنها پرسید:  
این چه کار و برنامه ای است؟ گفتند: روش و برنامه ای است که بعنوان تعظیم و احترام از امراء  
خود انجام می دهیم، فرمود:

"والله ما ینتفع بهذا امرائکم، وانکم لتشقون علی أنفسکم فی دنیاکم، وتشقون به  
فی آخرتکم وما أخسر الشقة ورائها العقاب، وأریح الدعة معها الأمان من  
النار"<sup>۳</sup>.

۱. نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۵۰۰، خطبه ۱۵۹.

۱. نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۳۳۴، خطبه ۲۱۶.

۲. نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۰۹۴، حکمت ۳۶.

"سوگند بخدا حکمرانان شما در این کار سود نمی برند و شما خود را در دنیایتان به رنج و در آخرتتان با اینکار به بدبختی گرفتار می سازید (چون فروتنی برای غیر خدا گناه و مستلزم عذاب است) و چه بسیار زیان دارد رنجی (فروتنی برای غیر خدا) که پی آن کیفر باشد و چه بسیار سود دارد آسودگی (رنج نبردن برای خوش آمدن مخلوق) که همراه آن ایمنی از آتش (دوزخ) باشد".

همچنین حکایت آن شخص که در حالیکه آن حضرت سواره و در حال حرکت بود عرایض و مطالبی را که داشت به عرض رسانید پس از آن پیاده به احترام در رکاب آن حضرت می رفت؛ امام علیه السلام او را نهی کردند که اینکار برای او ذلت و برای والی و حاکم فتنه است. بدیهی است که شخص آن حضرت از اینکه تحت تأثیر این برنامه‌ها قرار بگیرد و این برنامه‌ها، مقام و منصب او را عوض کند منزّه و مبرا بود. او آن علی بود که می فرمود:

"والله لو أعطيت الأقاليم السبعة بما تحت أفلاكها علي أن أعصي الله في نمة أسلبها جلب شعيرة ما فعلته، وان دنیاکم عندي لأهون من ورقة في فم جرادة تقضمها، ما لعلی ولنعم یفنی، ولذّة لا تبقى".<sup>۱</sup>

"سوگند بخدا اگر هفت اقلیم را با هر چه در زیر آسمان‌های آنها است به من بدهند برای اینکه خدا را درباره مورچه‌ای که پوست جوی از آن برابیم تا نافرمانی نمایم، نمی‌کنم و به تحقیق دنیای شما نزد من پست تر و خوارتر است از برگی که در دهان ملخی باشد که آنرا می جود، چکار است علی را با نعمتی که از دست می‌رود و خوشی که بر جا نمی ماند". بلکه برای سر مشق به دیگران و به هم نزدیک کردن راعی و رعیت و زمامدار و جامعه این برنامه‌ها را پیاده می‌کردند و این سخنان و تذکرات را می دادند مبادا در جامعه اسلامی کسی را جاه و مقام سست نماید. خطری که در اسلام به بزرگان و همه صاحبان مقامات و زبردستان از هجوم آن هشدار داده اند که حتی فرموده‌اند:

"لیس شیء أضرّ بالرجال من خفق النعال".

"چیزی ضرر زننده‌تر به شخصیتها از صدای کفش مردم که پشت سرشان

می روند، نیست".

در این رابطه از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت است که «کان یسوق أصحابه» ابن اثیر می‌گوید: معنایش اینست که حضرت اصحاب خود را جلو می‌انداخت و از روی تواضع و فروتنی خودش پشت سر آنها می‌رفت و احدی را نمی‌گذارد پشت سرش راه برود. در این موضوع سخن بسیار است اما جهت اینکه سخن از این طولانی تر نشود به همین اندازه اکتفا می‌کنیم.

کیست که اندکی مطالعه در تاریخ و سیره پیغمبر و ائمه هدی علیه‌السلام داشته باشد و تفصیل بسیار از این حقایق را نداند؟ اینها که گفتیم از ویژگی‌های جامعه اسلامی است که بشریت بطور متعالی در آن جامعه موعود جهانی به آن خواهد رسید.

## حذف تجمل گرائی

در جامعه جهانی اسلام تجمل گرائی و افراط در مصرف و خوش گذرانی و تکلف در پذیرائی‌ها و میهمانی‌ها و مراسم دیگر و لباس و پوشاک و مرکب و مسلکن و ... مطرود است. اموری که در زمان ما عامل مهم دشواری زندگی و کمبود عوائد از هزینه و مخارج است که حتی در مراسمی که برای اموات برگزار می‌شود نیز رقابت در پذیرائی‌های کمر شکن رایج شده است، بطوریکه مصیبت صاحب عزا دو چندان می‌شود!

در حالیکه هزارها جوان دختر و پسر بی همسر، بواسطه فقر از زندگی زناشوئی و تشکیل خانواده محروم هستند و مفسد اجتماعی گوناگون آن، سعادت همه جامعه و امنیت را تهدید می‌نماید، ملاحظه می‌شود که برخی مرفهان در مجلل‌ترین هتلها مبالغی که با آن می‌شود خانواده هائی را از فقر نجات داد صرف می‌نمایند، روشن است وقتی در جامعه اینگونه امور افتخار و احترام آفرین باشد فسادهای بسیار گریبانگیر آن جامعه می‌شود.

تحریم اسراف و تبذیر و تشویق به اقتصاد و میانه روی و هدایت مردم به استفاده های صحیح از مال و سرمایه که موجب استحکام بنیان اجتماع و بی نیازی از بیگانگان می‌شود و تعالیم بسیار دیگر همه در کنترل این گرایش مردم به تجمل پرستی و حفظ اعتدال مؤثر است. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است:

*"نحن معاشر الأنبياء والأولياء بُراء من التکلف"*<sup>۱</sup>.

*"ما گروه پیغمبران و اولیاء از تکلف بیزاریم."*

در سیره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در ساده زیستن و دوری از تجملات حکایت‌های آموزنده بسیار است که با توجه به آنها نمی‌توان کسانی را که تجملات خانه و اطاق و نیز محل کارشان بسا به میلیونها بالغ می‌شود و در انواع تنعمات خارج از اندازه و غیر لازم و بلکه لغو با وسایل تفریحی و سرگرمی گرانبها غرق و غافل زندگی می‌کنند، براستی تربیت شده مکتب آن حضرت شمرد.

پیشوا و پیامبری که وقتی پس از بازگشت از سفر وارد خانه یگانه فرزند عزیزش - که از بس او را دوست می داشت هر وقت از سفری می آمد اول به دیدار او می شتافت و در هنگام عزیمت به سفر آخرین کسی را که با او وداع می کرد او بود - شد و به دیدار او رفت، پرده‌هایی که بر در خانه دختر عزیزش آویخته بود مشاهده کرد، از خانه بیرون آمد، وقتی فاطمه زهرا سلام الله علیها آن پرده‌ها را نزد آن حضرت می فرستند که به اهل صفا و یا فقراء بدهد، خوشحال و مسرور می شود و می فرماید: «فداها أبوها».

معلوم است چقدر به زندگی دور از تکلفات و ساده اهمیت می داده است. او همان بزرگواری است که وقتی با آن همه عظمت و شوکت و قدرت مکه را فتح می کند در حالیکه آن لشکر مجهز را - که از جهت تجهیزات و نفرات تا آن زمان شبه جزیره بخود ندیده بود - زیر فرمان داشت و همه اشراف مکه افتخار می کردند که از او مانند بزرگترین ابر قدرتها با تشریفات و غذاهای رنگارنگ و سفره های گسترده پذیرائی نمایند؛ در چنین موقعیتی آن بنده خالص و خاص و متواضع خدا در آن روز بزرگ و تاریخی به خانه ام هانی دختر مکرمه ابوطالب و خواهر امیرالمؤمنین علی علیه السلام می رود - که بر حسب بعضی اخبار همان خانه‌ای است که معراج و عروجش به عالم بالا از آنجا واقع شد - وقتی وارد بر او شد و تقاضایی را که او در مورد پناهندگان به خانه اش داشت، پذیرفت.

فرمود:

"هل عندک من طعام نأکله؟"

"آیا طعامی داری که از آن بخوریم؟"

عرض کرد:

"لیس عندی الا کسرة یابسة وانی لأستحیی أن أقدمها الیک."

"غیر از نان پاره های خشک ندارم و من حیا می کنم که با آنها از شما

پذیرائی کنم."

فرمود:

"هلمی بهن."

"همان نان پاره‌ها را بیاور".

و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آن نان پاره‌ها را در مقداری آب تلیک کرد، ام‌هانی قدری نمک هم حاضر کرد سپس فرمود:

"هل من أدام؟"

"آیا نان خورش است؟"

ام‌هانی عرض کرد: غیر از مقداری سرکه چیزی حاضر نیست، فرمود: «بیاور آن را» سپس آن را بر روی آن نان‌ها ریخت و از آن میل فرمود، پس از آن حمد خدای عزوجل را بجا آورد و فرمود:

"نعم الأدام الخل یا أم‌هانی لا يقفر بيت فيه خل".

"خوب نان خورشی است سرکه، خانه‌ای که در آن سرکه باشد خالی از نان

خورش نیست".

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز همین سیره و روش را داشت؛ در وقتی که خلافت ظاهری هم در اختیار او قرارگرفت معاش و لباس و برخورداری‌های او از دین همان بود که همه شنیده و خوانده‌اید.

روزی احنف بن قیس بر معاویه وارد بود، هنگامی که سفره انداختند در آن همه رنگ إذا دیده می‌شد که احنف از آنها تعجب کرد، از آن جمله یک رنگ غذایی بود که احنف آن را نشناخت، از معاویه پرسید، در جواب گفت: این روده‌های مرغابی است که از مغز آن را پر کرده، و با روغن پسته سرخ شده و شکر بر آن پاشیده‌اند، احنف به گریه افتاد، معاویه از سبب گریه او پرسید، گفت: بیاد علی علیه‌السلام افتادم که روزی در خدمت او مشرف بودم وقتی هنگام افطار شد از من خواست که در خدمتش باشم، انبانی سر به مهر نزد او آوردند، پرسیدم در این انبان چیست؟ فرمود: آردی است از سبوس جو، از سر به مهر بودن آن پرسیدم: فرمود، می‌ترسم حسن یا حسین آن را به روغن مخلوط نمایند<sup>۱</sup>.

۱. معجم صغیر طبرانی، ج ۲، ص ۹۷.

۲. نثر الدرّ بنقل از اصل الشیعه و اصولها از آیت‌الله العظمی کاشف‌الغطاء.

علی علیه السلام خودش لباس خود را وصله می زد وقتی ابن عباس آن حضرت را در حال اصلاح کفش خود دید، به ابن عباس فرمود:

"ما قيمة هذا النعل؟"

"این کفش چقدر قیمت دارد؟"

عرض کرد:

"لا قيمة لها."

"بهای ندارد."

فرمود:

"والله لهي أحب إليّ من أمرتكم إلا أن أقيم حقا وأدفع باطلاً"<sup>۲</sup>.

"بخدا سوگند این کفش بی قیمت از امارت و فرمانروائی بر شما نزد من

بهتر است مگر آنکه حقی را بیا دارم یا باطلی را دفع کنم."

یعنی این منصب و مقام وقتی ارزشی دارد که صاحب آن با آن اقامه حق و دفع باطل نماید؛ در جامعه موعود حضرت ولیعصر ارواحنا فداه نیز برنامه همین است و سیره آن حضرت همین سیره است، در احادیث آمده است:

"ما لباس القائم عليه السلام الا الغليظ وما طعامه الا الجشب"<sup>۳</sup>.

## تذکر و رفع اشتباه

مفهوم این ویژگی‌های جامعه اسلامی و سیره‌های حضرت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآئمه‌طاهرین علیهم‌السلام این نیست که نباید از نعمت‌های الهی و جمال حیات دنیا که جلوه‌های آن بسیار است و بی‌شمار و بر جمال خداوند جمال‌آفرین دلالت دارند بهره‌گرفت یا بکار و فعالیت و سعی و عمل و تولید و زراعت و صنعت و علومیکه جامعه به آن نیازمند است پرداخت و غرائز و

۳. من عرض می‌کنم یا امیرالمؤمنین علی (ع) قربان خاک راه قنبرت و همه شیعیان، آن کفش بی قیمت بود باین معنی که برای آن با جواهرات و اثمان جهان تعیین قیمت ممکن نبودای کاش در برابر بذل جان برای من تشرف بوسیدن آن میسر می‌شد.

۱. نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۰۲، خطبه ۳۳.

۲. غیبة النعمانی، ط مکتبة الصدوق، ص ۲۳۳، باب ۱۳، حدیث ۲۰ و منتخب الاثر ص ۳۰۷، فصل ۲، باب ۴۲، حدیث ۱، ۲، ۳.



استعدادات را حبس و ضایع و معطل نمود و گوشه‌گیری و کم‌کاری پیشه کرد این افکار افکاری است که اسلام با آن به ضدیت برخاسته و با تعالیم آن سازش ندارد:

در قرآن مجید می‌فرماید:

"قل من حرم زينة الله التي أخرج لعباده والطيبات من الرزق"<sup>۱</sup>.

"بگو ای پیامبر چه کسی زینت‌های خداوند را که برای بندگانش آفرید و روزیهای پاک را حرام کرده است."

و نیز می‌فرماید:

"يا ايها الرسل كلوا من الطيبات واعملوا صالحاً"<sup>۲</sup>.

"ای رسولان ما از غذاهای پاکیزه و حلال تناول کنید و عمل صالح انجام دهید."

همچنین کار و زحمت و انواع مشاغل حلال برای توسعه بر عائله و بی‌نیازی از دیگران و هدف‌های عالی‌تر مثل رسیدن جامعه مسلمان به خودکفائی و رفع وابستگی اقتصادی به کفار نه تنها ممنوع نیست، بلکه از عبادات و طاعات بزرگ است، خدای تعالی در قرآن مجید می‌فرماید:

"ولله العزة ولرسوله وللمؤمنين"<sup>۳</sup>.

"عزت مخصوص خداوند و پیامبرش و مؤمنین است."

بدیهی است یکی از موجبات مهم عزت و حفظ شرافت، استقلال اقتصادی و خودکفائی در همه شعب زندگی است؛ چنانکه از عوامل مهم ذلت، فقر و احتیاج به بیگانه است و باید هر مسلمانی برای مبارزه با این ذلت و حفظ آن عزت هر چه در امکان دارد تلاش نماید.

حرص و فخر به مال و تجمل‌گرایی و حبّ دنیا که سر هر گناه است، غیر از کار و عمل به تعطیل نکشاندن قوا و استعداد است؛ و بعبارت دیگر، دنیا، برای تکاثر و استکبار و استعلاء به هر شکل و صورت خواستن، مذموم و ضد ارزش‌های والای انسانی است، اما دنیا خواهی برای مقاصد صحیح و هدف‌های مشروع و خودکفائی شخصی و عمومی ممدوح و پسندیده است.

۳. سوره اعراف آیه ۳۲

۴. سوره مؤمنون آیه ۵۱

۲. سوره منافقون آیه ۸

برداشت‌های نادرستی که از زهد و قناعت و توکل و دعا و زیارت و عزاداری سید الشهدا علیه السلام و انتظار ظهور و فرج و ثواب بسیاری از دعاها و اعمال نیک و آثار توبه و سایر اینگونه اصطلاحات و اعمال مذهبی، بعضی به اصطلاح روشنفکر به مذیبه نسبت می‌دهند هیچوقت در بین نبوده و سبب ایستائی جامعه و رکون و رکود و غرور نگشته و عرف اجتماع مذهبی همه را در جای خود شناخته است و اگر هم افرادی دیده شوند که این اصطلاحات را به مفهوم واقعی آنها نشناخته باشند معدودند و روی برداشت آنها نمی‌توان داوری کرد، اینها همه در نظام تربیتی اسلام جایگاه ویژه و مفهوم خاص خود را دارند.

هدف اسلام ساختن انسان الهی است نه انسان مال و نه انسان مقام و نه انسان ماشین و تکنولوژی و سایر مظاهر مادی؛ هدف انسانی است که همه اینها را بطور صحیح و مشروع بخدمت کمال انسانی خود بگیرد که همه مظاهر زندگیش حتی جنگش و جهه الهی داشته باشد.

"لتكون كلمة الله هي العليا وكلمة الذين كفروا السفلى".

اما تجمل گرائی همان است که هر کس می‌تواند نظایر آن را در خانه های شمال بعضی شهرها و تزئینات ظاهر و داخل آنها ببیند.

حاصل سخن این است که راهپاه مشخص است و عرف مسلمان معنی لفظ زهد و قناعت و حرص و تکاثر و تجمل و اسراف و تبذیر و موارد دیگر را تشخیص می‌دهد و از مظاهر زندگی و خانه و ماشین و لباس و میهمانی و عزا و عروسی اشخاص، آن را که حاصل تربیت اسلامی و محبوب خدا است یا به آن شباهت بیشتر دارد و آن را که به تربیت غیر اسلامی و قارون مابی و طاغوت گرائی شبیه است می‌شناسد؛ و کار و عمل و تلاش و تولید و صنعت و اختراع و کسب‌های مشروع را با تکاثرهای قارونی و تشریفات طاغوتی اشتباه نمی‌کند.

البته باید پیرامون تمام این مفاهیم و جنود عقل و جهل و تعلیمات قولی و عملی پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیه السلام و مواضع آنها در مقامات و مواجهه با جریان‌ها و جوهای مختلف همیشه تعلیم و تعلم ادامه داشته باشد و مکتب آموختن از آن بزرگواران باز و مفتوح باشد و ما در اینجا از اطاله بحث بیش از این معذوریم.

## امنیت و صلح عمومی

امنیت و صلح واقعی و آرامش از ویژگی‌های دولت آقا امام زمان (روحی لثراب مقدمه الفداء) است، خوفها زایل می‌شود و جان و مال و آبروی اشخاص در ضمان امان قرار می‌گیرد و در سراسر جهان امن عمومی حاکم می‌شود و اختناق و استبداد و استکبار و استضعاف که همه از آثار حکومت‌های غیر الهی است از جهان ریشه کن می‌گردد و حکومت‌های طواغیت به هر شکل و هر عنوان برچیده می‌شود.

از اخبار و روایات استفاده می‌شود:

"که بواسطه حضرت ولیعصر ارواحنا فداه راهها آنقدر امن می‌شود که احدی حتی ضعیف‌ترین مردم از مشرق به مغرب سفر می‌نماید، از احدی به او اذیت و آزار نمی‌رسد".<sup>۱</sup>

---

۱. مراجعه کنید به منتخب الاثر، ص ۳۰۸، فصل ۲، باب ۴۳، حدیث ۲.

## شکوفائی وضع اقتصادی

در دولت آن حضرت وضع اقتصاد عمومی بهبود کامل یافته نعمت‌ها فراوان و آب‌ها مهار و زمین‌ها آباد و حاصل‌خیز و معادن ظاهر می‌شود تا جائی که فقیری که از بیت‌المال چیزی دریافت کند باقی نماند، و کسی برای دریافت کمک مالی به خزانه عمومی مراجعه ننماید و اگر اتفاقاً کسی مراجعه کرد به خود او می‌گویند هر اندازه نیاز دارد دریافت کند که او هم پس از دریافت وجه از گرفتن پشیمان می‌شود و در مقام رد آن به خزانه بر می‌آید ولی از او قبول نمی‌شود.<sup>۱</sup>

---

۱. مراجعه کنید به منتخب الاثر، ص ۴۷۳، فصل ۷، باب ۴.

همه خدا را می پرستند

از ویژگی‌های ممتاز دیگر آن جامعه جهانی این است که همگان در آن موحد و خدا را به یگانگی پرستش می‌نمایند و شریکی برای او قرار نمی‌دهند، او را بی شریک و بی نظیر و واحد و یگانه و یکتا می‌شناسند.

وحده لا شریک له صفتش

وهو الفرد اصل معرفتش

شرک را سوی وحدتش ره نه

عقل از کنه ذاتش آگه نه

هست در وصف کبریا و جلال

شرک نالایق و شریک محال

تعالی الله یکی بی مثل و مانند

که خوانندش خداوندان خداوند

منزه ذات او از چند و از چون

تعالی شأنه عما یقولون

بری از ضدّ وند و خویش و از کس

صفتش قل هو الله احد بس

این یک امتیاز بزرگ و از ویژگی‌های جامعه اسلامی است که در آن عصر عزیز همه افراد به آن ممتاز و سرفراز می‌باشند، همه حق را می‌پرستند و در پرستش حق کسی و چیزی را شریک او نمی‌کنند توحید خالص و سره و پاک از هر شائبه شرک، حاکم می‌شود.

یکی از جامعه شناسان معروف در کتاب خود (تمدن اسلام و عرب) می‌گوید:

"عقیده به توحید تاج افتخاری است که در میان ادیان بر سر دین اسلام قرار دارد."

هر چند بر حسب قرآن مجید همه انبیاء دعوت به توحید داشتند و موحد بوده اند اما این جامعه شناس نظر به معتقدات جوامع فعلی بشری دارد که از طریق توحید منحرف و گرایش به شرک دارند که اگر دین آنها بر اساس توحید بوده است در حال حاضر بواسطه وقوع تحریفات،

در این ادیان، به شرک گرائیده و موحد شمرده نمی‌شوند و این اسلام است که دعوتش به توحید خالص و پاک باقی مانده و پیروانش بر این عقیده ثابت و استوارند، و این فقط مسلمان‌ها هستند که بانگ دلنواز و روح پرور و معراج آفرین توحیدشان در هنگام اذان بگوش جهانیان می‌رسد و این قرآن کتاب آسمانی مسلمان‌ها است که اعلام می‌کند همه انبیاء به توحید دعوت کرده‌اند:

"ولقد بعثنا فی کل أمة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت".<sup>۱</sup>

"و به تحقیق در میان هر امتی پیامبری را مبعوث کردیم (تا به خلق ابلاغ کند) که خدای یکتا را عبادت کنید و از (طاغوت) طاغوت دوری کنید".

و می‌فرماید:

"شرح لكم من الدین ما وصی به نوحا والذی اوحینا الیک وما وصینا به ابراهیم و موسی و عیسی ان اقیموا الدین ولا تتفرقوا فیه کبر علی المشرکین ما تدعوهم الیه".

"خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمانان قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش کردیم که دین خدا را برپا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین نکنید مشرکان را که بخدای یگانه دعوت می‌کنی بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید".

کلمه توحید کلمه ای است که هیچکس بشر را به کلمه پر بارتر و سازنده تر از آن نخوانده است؛ کلمه اخلاص، کلمه توحید، کلمه آزادی، کلمه برابری و مساوات، کلمه انسان، کلمه زمین و آسمان و کوهها و دریاها و ستاره‌ها و کهکشانها و عرش و کرسی و همه موجودات و همه کلمات است.

کلمه ای بود که از آغاز پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به آن دعوت فرمود:

"قولوا لا اله الا الله تفلحوا" و تا پایان هر چه فرمود تفسیر و تبیین و شرح این کلمه بود؛ کلمه همه‌آنهاست که به اسلام گرویدند و خواهند گروید، کلمه اعلام عقیده به توحید و ایمان به خدای یگانه است.

قرآن مجید در خطاب به اهل کتاب می‌فرماید:

"یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشکر به شیئا ولا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله"<sup>۱</sup>.

"بیائید به سوی کلمه‌ای که میان ما و شما مساوی و برابر است یعنی ما و شما و همه را در یک خط و یکسان و مساوی قرار می‌دهد و آن این است که پرستش نکنیم مگر خدا را و چیزی را برای او شریک نگیریم".

در اینجا چون می‌خواهیم ویژگی‌های جامعه اسلامی را بشناسیم باید متوجه باشیم که توحید در عبادت و شریک برای خدا قرار ندادن به این است که خدا را به عبادتی که شرع دستور داده یا عبادیت و مناسبت آنها را با عبادت، خدا امضاء فرموده است عبادت کنیم و از انجام این عبادات برای غیر خدا و همچنین اعمالی که مشرکان به عنوان پرستش و عبادت مشرکانه انجام می‌دادند، اجتناب نمائیم؛ چنانکه باید از برنامه‌های عبادی صوفیه و مدعیان دروغین عرفان که از طریق اهل بیت و کتب حدیث نرسیده، به عنوان انجام برنامه و وظیفه و پیروی از سران این طوائف خود داری شود، که این هم مرتبه‌ای از شرک است. و خلاصه اقتضاء توحید این است که، در تعالیم قرآن و احکام اسلام ذوب شویم و به هیچ جا و هیچکس و نقطه‌ای غیر از خدا و پیغمبر و ائمه هدی علیهم السلام توجه نکنیم، و در کار دین و برنامه‌های زندگی فقط به آنها اعتماد نمائیم؛ ضمناً نباید تعظیم و احترام از شعائر و مشاهد و بیوت و مقامات انبیاء و اولیاء را که قرآن و سنت بر جواز و بلکه استحباب بسیار مؤکند - حتی وجوب آن دلالت دارند - با احترام و تعظیم از چیزها و اشخاصی که به خدا تسناد ندارند و کتاب و سنت آن را تأیید نمی‌نمایند، اشتباه کرد؛ خانه‌های انبیاء و اولیاء و اماکن مقدسه از خانه‌هایی است که باید مورد احترام باشند و در آنها خدا یاد شود و تسبیح خدا گفته شود، چنان که آیه کریمه بر آن صراحت دارد:

(فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمہ یسبح له فیها بالغدو والاصال)<sup>۲</sup>.

۱. سوره آل عمران آیه ۶۴.

۲. سوره نور آیه ۳۶.

"در خانه هائی، خداوند اجازه داده آنجا رفعت یابد و نام خداوند یاد شود

و صبح و شام تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند".

در روایات از طریق اهل سنت است که ابوبکر از پیغمبر صلی الله علیه و آله سؤال کرد: آیا بیست فاطمه و علی علیه السلام از این بیوت است؟

فرمود: "از فاضلترین آنهاست".

نکته دیگری که در اینجا به آن اشاره می‌کنیم تا اهل انتظار فرج امام علیه السلام به آن هم توجه داشته باشند این است که توحید در عبادت مفهوم ابتدائی شاید مطابقش پرستش نکردن به غیر از خدا و اخلاص در عبادت حقتعالی است؛ اما بنظر وسیعتر توحید در عبادت و خلوص آن از هر شائبه، فرمانبری از خداوند متعال است به گونه‌ای که غیر از خدا و کسانی که اطاعت آنها در طول اطاعت خدا و به امر خدا و برای خدا است از احدی و مقامی به عنوان این که خود بخود یا طبق نظامات مختلف مستحق اطاعت است، اطاعت ننماید زیرا این استحقاق بالذات و بنفسه برای خدا ثابت است و برای غیر خدا مثل انبیاء و ائمه هدی علیهم السلام و کسانی که از جانب آنها بالخصوص یا به طور عام، ولایت دارند نیز از این جهت ثابت است که اطاعت از آنها موضوع اطاعت از خداوند متعال است؛ در نتیجه اطاعت از طواغیت و سلاطین و هر حاکمی که مأذون من جانب الله یا مأذون از جانب مأذون من قبل الله نباشد خواه حکومت‌های استبدادی و فردی یا به اصطلاح قانونی و نظام اکثریت یا حزبی باشد هیچ یک با توحید در اطاعت سازگار نیست و اگر نگوئیم همان شرک جلی در عبادت به مفهوم واضح و مصادیق روشن آن است، نوعی شرک خفی است که با خلوص موحدین در توحید منافات دارد؛ و شاید این معنی از این آیه هم استفاده شود:

"ولقد بعثنا فی کل أمة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت".<sup>۱</sup>

"و به تحقیق ما در میان هر امتی رسولی را مبعوث کردیم تا به خلق

ابلاغ کند خدا را عبادت کنید و از طاغوت دوری کنید".



زیرا ممکن است گفته شود که از آن استفاده می‌شود که اجتناب از طاغوت به هر صورت و به هر شکل که اهم آن عبادت و اطاعت او است، مضافاً عبادت خدا است؛ و مثل این آیه نیز ممکن است به همین معنی دلالت داشته باشد:

"وما أمرُوا الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين"<sup>۱</sup>.

"امر نشدند مگر این که خدا را عبادت کنند در حالی که خالص کنندگان  
دین و اطاعت برای خدا باشند".

و از این میان معنای تفسیری که از آیه شریفه ذیل شده است:

"فمن كان يرجو لقاء ربه فليعمل عملاً صالحاً ولا يشرك بعبادة ربه احداً"<sup>۲</sup>.

"پس هر کس به لقاء خداوند امیدوار است باید عمل صالح انجام دهد و در  
عبادت پروردگارش احدی را شریک قرار ندهد".

ظاهر می‌شود که فرموده اند: "ولا يشرك بعبادة ربه" یعنی "لا يشرك مع علي عليه السلام في الخلافة" نه این است که مراد از رب در این جا امیر المؤمنین علی علیه السلام باشد چون اطلاق آن بر غیر خدا نیز جایز است، بلکه مراد از رب همان رب حقیقی همه، خداوند متعال است ولی چون غیر علی علیه السلام را با آن حضرت شریک در امر خلافت و واجب الطاعه دانستن، در طول اطاعت از خدا و موضوع آن قرار نمی‌گیرد - و اطاعت از غیر خدا است - با خلوص توحید خصوصاً توحید در عبادت منافات دارد.

و مثل این روایت نیز مسئله اطاعت از رژیمهای مختلف غیر مشروع را - اگرچه نظام اکثریت باشد - آشکار می‌سازد.

حبیب سجستانی از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که:  
خداوند متعال فرموده است:

"لاعدبن كل رعية في الاسلام دانت بولاية كل امام جائر ليس من الله..."<sup>۳</sup>.

۲. سوره بینه آیه ۵.

۳. سوره کهف آیه ۱۱۰.

۱. اصول کافی، ط علمیه اسلامیة، ج ۲، ص ۲۰۶، باب فیمن دان الله عزوجل بغیر امام من الله عزوجل.

"البته عذاب می‌کنم هر رعیت را که در اسلام ملتزم و متدین شود به ولایت هر پیشوای جائری که از سوی خدا نیست اگرچه آن رعیت در کارهای خود نیکوکار و پرهیزکار باشد، تا آخر حدیث".

خلاصه از آنچه بیان شد معلوم می‌شود که در حکومت حقه امام عصر ارواح العالمین له الفداء و آن جامعه موعود اهداف زیر تحقق خواهد یافت:

اولاً: در سراسر جهان خدا پرستش می‌شود و از شرک اثری باقی نمی‌ماند.  
ثانیاً: اطاعت مختص به خدا و نظام الهی اسلامی و ولایت منصوصه حضرت ولیعصر ارواحنا فداه می‌گردد و این بساطهای مشرکانه رژیم‌های گوناگون که همه از مصادیق آیه ذیل می‌باشند، برچیده می‌شود:

"ان هی الا اسماء سمیتوها انتم و آباءکم ما انزل الله بها من سلطان".<sup>۱</sup>

"آنها- لات، عزّی، منات جز اسمهایی که شما و پدرانتان بر بت‌ها نامیده  
اید، نیستند و خداوند هیچ دلیلی بر معبود بودن آنها نازل نفرموده است".

بنابراین از آیه فوق استفاده می‌شود که دین و اطاعت خالص برای خدا می‌گردد و توحید در ولایت و حکومت و سلطنت و مالکیت، همه تحقق می‌یابد و عالم، عالم ظهور اسماء الحسنی مانند «هو الولی» و «هو الحاکم» و «هو السلطان» و «هو المالک» می‌گردد و ایمان همگانی به معنای له الحکم وله الامر وله السلطان ظاهر می‌شود؛ البته همه اینها معانی و اموری است که مؤمن به آن ظهور، باید تلاش کند خودش را مناسب با آنها و با الهام از آنها بسازد و در حد ممکن در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند آن را پیاده نماید.

## قسط و عدل جهانی

بارزترین ویژگی‌های آن جامعه موعود و دولت کریمه گسترش جهانی قسط و عدل است که در بیش از یک صد خبر به آن تصریح شده است. از جمله در بعض روایات به این لفظ:

"يملاءها قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً".

و به این لفظ:

"يملاء الله به الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً".

و در روایاتی به این لفظ رسیده است:

"بعد ما ملئت جوراً وظلماً" و در بعض دیگر به تقدیم ظلم بر جور.

این الفاظ مشهور و معروف است و علمای علم حدیث شیعه و سنی در احادیث بسیار روایت کرده اند و یکی از احادیث که مانند احادیثی که به آن اشاره شد مشهور نیست اما جالب و شایان توجه است، این عبارت است:

"يملاً الله به الأرض نوراً بعد ظلمتها وعدلاً بعد جورها وعلماً بعد جهلها".<sup>۱</sup>

"خدا زمین را به وسیله حضرت مهدی علیه السلام پراز نور و روشنایی می‌کند بعد از تاریکی و ظلمت آن و پراز عدل می‌کند بعد از جور و ستم و پراز علم و دانائی می‌کند بعد از جهل و نادانی".

البته روشن است که مقصود از تاریکی و ظلمتی که به آن در این حدیث اشاره شده است، تاریکی ظاهری که در اثر غروب آفتاب یا خاموشی‌های برق پیدا می‌شود نیست بلکه مقصود تاریکی‌هایی است که در آن روزگار در اثر دوری از معارف حقه و نداشتن بینش صحیح و گم کردن راه ارتباط با خدا، جامعه به آن مبتلا میشود.

چنانکه مقصود از نور هم نور حسّی نیست بلکه نور معرفت خدا و پیغمبر و امام و درک حقایق و نور عقل و فطرت و وجدان است.

۱. کمال الدین ج ۱، ص ۲۶۰، باب ۲۴، حدیث ۵ و منتخب الاثر ص ۹۲، فصل ۱، باب ۷، حدیث ۲۴.

و همچنین مراد از جهل، جهل به علوم متعارفه و مبادی تمدن مادی و تکنولوژی نیست بلکه مراد همین جهلی است که امروز بر دنیای علم و صنعت مستولی شده و روز به روز رو به افزایش است.

و مراد از علوم، علوم حقیقه و دانایی‌ها و دانش‌هایی است که به انسان کمال می‌بخشد و او را از نظر به ظاهر این عالم به باطن آن می‌رساند و سبب خوف و خشیت از خداوند متعال می‌گردد چنانکه در قرآن مجید می‌فرماید:

"انما یخشی الله من عباده العلماء"۱.

"همانا واقعیت امر این است که از میان بندگان خداوند، تنها اهل علم و معرفت، او را عبادت می‌کنند."

"جز این نیست که می‌ترسند از خدا، دانایان از بندگانش."

عدل و قسط از اموری است که همه افراد بشر به برقرار نمودن آن اظهار علاقه و میل می‌نمایند و بالفطره می‌خواهند همگان عادل باشند و به حکم وجدان خود نمی‌توانند حسن عدل و فضل شخص عادل را انکار کنند و اگر به زبان هم انکار کنند در پیشگاه وجدان به فضیلت آن اعتراف دارند.

هدف از فرستادن پیامبران و نزول کتابهای آسمانی و قوانین و موازین محکم الهی بر حسب این آیه شریفه:

"لقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط"۲.

"به تحقیق پیامبران خود را با ادله روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب و میزان عدل را نازل کردیم تا مردم به عدل بر پاگردند."

بر پائی امور مردم به قسط است.

---

۱. سوره فاطر آیه ۲۸

۲. سوره حدید آیه ۲۵

عدل و قسط خواه آنها را مانند دو کلمه مترادف دارای مفهوم واحد بدانیم چنانکه بعضی از مفسرین و اهل لغت گفته اند قسط را - مخصوصاً در مواردیکه به تنهائی استعمال شده است - به عدل معنی کرده اند چنانکه ظاهر آن هم همین معنی است، و خواه برای آنها - خصوصاً در مواردیکه با هم در کلامی آورده شده باشند - معنای مشابه و مرتبط بهم در نظر بگیریم هم شامل اعتدال و تناسب در سهام و حقوق و نظامات مالی و اقتصادی و اجتماعی است و هم شامل عمل به این حقوق و مقررات و تخطی نکردن از آنها و هم شامل حکم به این نظامات است؛ علی هذا حاکم عادل آن کسی است که نظاماتی را که اجراء می‌نماید بر اساس قسط و اعتدال و تناسب مقرر شده باشد.

اما اگر قانون، ضعیف و ناقص تدوین شده باشد مثل قوانین بشری، به کسی که آن قانون را اجراء می‌نماید عادل اطلاق نمی‌شود، عدل حاکم بدون عدل قانون مفهوم پیدا نخواهد کرد همان‌طوریکه عدل قانون نیز بدون عدل مجری مثمر ثمر نخواهد شد.

انزال کتاب و میزان در آیه شریفه اشاره به قوانین کافی و جامعی است که بر انبیاء نازل شده و در هر جهت حقوق و مقرراتی که بیان نموده‌اند بر اساس قسط است.

در دین اسلام چنان نیست که کسی بتواند بگوید جائیکه عدل راضی است قسط ناخشنود است - هر چند قسط را به معنی تعادل در نصیب و سهم بگیریم - زیرا قوانین اسلام که بعقیده هر مسلمانی کامل و جهانی است، عدل در سهام و حقوق را رعایت کرده است هر چند در بعض موارد نکته آن بر ما یا بعضی معلوم نباشد؛ بنابر این هر حاکمی که احکام اسلام را اجراء نماید و هر کسی حکم بر طبق موازین اسلامی بدهد حکمش بعدل است هم از این جهت که موازینی که بر طبق آن حکم کرده مطابق با قسط و عدل بوده و هم از این جهت که خودش در این حکم از قانون خدا منحرف نشده است.

و خلاصه کلام این است که عدل و قسطی که حضرت ولی عصر صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان را از آن پر می‌نمایند معلول اجراء کامل احکام اسلام است که یگانه راه رسیدن به عدالت اجتماعی صحیح است که با اجراء آن این مظاهر زرق و برق و بی کنترل مترفین و مرفهین از میان می‌رود و خصوصاً امکانات دولتی بیت المال همه در اختیار نیازمندان قرار می‌گیرد.

به امید آن روز و آن عصر و آن دولت کریمه

در اینجا بعثت طولانی شدن مقاله از بیان سائر ویژگی‌های دولت کریمه و جامعه موعود معذوریم؛ می‌توانید با مراجعه به کتاب «منتخب الاثر» (تألیف حقیر) بخش‌های دیگر از این ویژگی‌ها را بررسی فرمائید اگرچه در آنجا هم موفق به استقصاء همه ویژگی‌ها نشده‌ایم. در پایان بعرض می‌رسانم که یکی از علل مهمی که موجب بوجود آمدن آن جامعه سالم است تکامل عقوق و رشد فکری مردم است که با توجه باین ویژگی بسیاری از کمبودها و نواقصی که در اجتماعات کنونی است، مرتفع می‌شود، تنگ نظریها و زور و زراندوزی در چنان جامعه وجهه همت همه، یا بیشتر افراد نیست، زندگانی آنها در عین حالیکه انواع تنعمات در اختیار افراد است، زندگی عقلانی و روحانی و انسانی است، همان اهداف و فضایی که امروز هم باید شیعیان آن حضرت و منتظران آن دولت به آن آراسته باشند و اگر این دعا را می‌خوانند:

"اللهم انا نرغب اليك في دولت كريمه تعز به الاسلام واهله و تذلل بها النفاق

واهله و تجعلنا فيها من الدعاء الي طاعتك "

"خداوند از تو خواستاریم دولتی گرامی که بوسیله آن اسلام و مسلمین را

عزت بخشید و نفاق و منافقین را منکوب سازی و ما را در آن دولت از زمره

خوانندگان مردم به سوی اطاعت تو قرار دهی."

عملاً رغبت خود را به برقراری آن دولت و علاقه مندی خود را بعزت اسلام و ذلت کفر و نفاق با حضور در صحنه‌های خدمت به اعلاء کلمه اسلام نشان دهند و دعوت براه خدا و دین خدا را قولاً و عملاً وجهه همت قرار دهند و طوری خود را بسازند و بقوت ایمان و صبر و ایثار و جهاد و تلاش بیارایند که از بوته هر امتحان، بی غل و غش بیروت آیند تا از آنها باشند که مورد این بشارت بزرگ هستند:

"اولئك هم المؤمنون حقاً و شيعتنا صدقاً والدعاة الي دين الله عزوجل

سراً و جهراً!"

و هم این بشارت‌ها شامل حالشان باشد:

طوبى للمتقين فى غيبته، طوبى للصابرين فى محبته، اولئك من وصفهم فى كتابه فقال:

"الذين يؤمنون بالغيب ... اولئك هم المفلحون".

وعجل اللهم فى ظهور مولانا صاحب الزمان وأجعلنا من أعوانه وأنصاره.

وأخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين .

ربيع المولود ١٤١٠

لطف الله صافى گلبايگانى قم